



صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی

رُبی الحسنی | ترجمه: واحد ترجمه متین



صہیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی

آنچه امروزه «صهیونیسم مسیحی» نامیده می‌شود، نه پدیده‌ای تازه‌وارد در فرهنگ و باور مسیحی به‌طور کلی، و نه در مسیحیت غربی به‌طور خاص است؛ بلکه ریشه‌هایی دارد که شاید به نخستین دوره‌های مسیحیت بازگردد، زمانی که شائول یهودی - که بعدها به نام قدیس پولس شناخته شد - نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری آن ایفا کرد. این جریان به‌تدریج گسترش یافت و به یک عقیدهٔ منسجم تبدیل شد که امروزه از سوی گروه‌هایی که قدرت را در غرب و ایالات متحده در دست دارند، پذیرفته شده است و از همان نقطه در پی سلطه بر جهان و هدایت آن براساس دیدگاه‌های اعتقادی خویش است.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

صهیونیسم مسیحی به عنوان جریانی گسترده در میان فرقه‌های مسیحی تعریف می‌شود که از صهیونیسم حمایت می‌کنند. این اصطلاح بعدها بُعدی دینی پیدا کرد، به گونه‌ای که «صهیونیست مسیحی» به کسی گفته می‌شود که تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس را در موجودیت سیاسی و فیزیکی اسرائیل جست‌وجو می‌کند، نه در شخص مسیح و کلیسا.

نخستین کسی که اصطلاح «صهیونیسم مسیحی» را به کار برد، تئودور هرتسل، بنیان‌گذار جنبش صهیونیسم بود. او این عنوان را به ژان آنری دونان، ثروتمند سوئیسی و بنیان‌گذار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نسبت داد. دونان از نخستین حامیان مالی جنبش صهیونیسم یهودی بود و در سال ۱۹۰۱ میلادی، نخستین فردی شد که جایزه صلح نوبل را دریافت کرد.

هزاره‌گرایی

مسیحیت پس از یهودیت به عنوان جنبشی اصلاح‌گرو مکمل آن پدید آمد، اما همچون سلف خود از دگرگونی و تحریف در امان نماند. پس از عروج عیسی

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

علیه السلام به آسمان، دگرگونی در مسیحیت آغاز شد؛ دگرگونی‌ای که شائول (پولس) نقش برجسته‌ای در آن ایفا کرد. او بردو اندیشه تمرکز داشت که مسیحیت بر پایه آن‌ها شکل گرفت: الوهیت مسیح و جهان‌شمولی مسیحیت، در حالی که مسیحیت پیش از این تنها به بنی‌اسرائیل اختصاص داشت.

شایان توجه است که در نخستین دوره‌های تاریخ مسیحیت، فرقه‌ها و جنبش‌های متعددی پدید آمدند که به بازگشت مسیح به زمین ایمان داشتند. از جمله آن‌ها، جنبش مونتانیه (Montanism) بود که پس از نیمه قرن دوم میلادی در آسیای صغیر ظهور کرد. این جنبش به راهبی به نام مونتanos بازمی‌گردد که ادعا می‌کرد وحی را از روح القدس دریافت می‌کند. پیروان او بر این باور بودند که او همان «فارقلیط» یا «تسلی‌دهنده»‌ای است که مسیح در انجیل به آمدنش بشارت داده بود؛ چنان‌که در انجیل یوحنا آمده است: «و چون تسلی‌دهنده‌ای که من از جانب پدر برای شما می‌فرستم، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌شود، بیاید، او بر من شهادت خواهد داد.»

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

در مراحل آغازین مسیحیت، این باور رایج بود که عیسی به زودی بازخواهد گشت تا با عدالت بر جهان حکومت کند.

سفر رؤیا. که واپسین کتاب از عهد جدید و سرشار از پیش‌گویی‌های آینده‌نگر است. نزد پیروان این جنبش جایگاه ویژه‌ای داشت. بنیان‌گذار جنبش، پایان جهان و بازگشت قریب‌الوقوع مسیح به زمین را اعلام کرد، بی‌آنکه بیت المقدس را مکان این بازگشت بداند. پیروانش برای این بازگشت دوم با پرهیز از ازدواج و افزایش روزه‌داری آماده می‌شدند. برخلاف انتظار - علی‌رغم فرا رسیدن پایان جهان - این جنبش از میان نرفت، بلکه حتی پس از مرگ بنیان‌گذارش نیز رونق یافت و گسترش پیدا کرد.

در آغاز قرن سوم میلادی، این جنبش به غرب نیز راه یافت و بسیاری از مردم به سبب زهد و ریاضت پیروانش برای آنان احترام قائل بودند. با این حال، کلیسا با آنان به مقابله برخاست و ایشان را از شهرها بیرون راند؛ از این‌رو، جنبش تا قرن پنجم میلادی در روستاها به حیات خود ادامه داد.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

در آن دوره نوشته‌های بسیاری با محتوای اخبار از غیب و آینده‌نگرانه - چه یهودی و چه مسیحی - پدید آمد که بر پیش‌گویی‌های مربوط به آخرالزمان و نشانه‌های آن تمرکز داشتند. این نوشته‌ها سرشار از نمادها، اعداد و رمزنگاری‌ها بودند و عمدتاً بر پیش‌گویی‌های کتاب مقدس در هر دو عهد قدیم و جدید تکیه داشتند.

بدین‌سان توجه به بازگشت دوم مسیح از همان سال‌های نخست، ویژگی برجسته کلیسای مسیحی بود و همه تفسیرهای الهیاتی بر انتظار دوران هزارساله‌ای متمرکز بود که در آن، مسیح بر زمین فرمان خواهد راند.

مرحله قرون وسطی

قرون وسطی به آزار و اذیت یهودیان در اروپا مشهور است؛ اروپایی‌ها، آنان را وادار به زندگی در محله‌های جدا افتاده‌ای در شهرها (گتوها) کردند. مسیحیان بر این باور بودند که هر بلایی که بر سر یهودیان می‌آید، مجازاتی الهی به سبب «به صلیب کشیدن» مسیح است، و اینکه آنان به دلیل

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

خیانتشان، گناهی جمعی بر دوش دارند که همواره آنان را در معرض لعنت قرار می‌دهد.

با این حال، یهودیان تأثیر پنهانی داشتند و میراث فکری آنان به تدریج به درون اندیشه مسیحی نفوذ کرد، تا جایی که سرانجام در اواخر قرن یازدهم میلادی - در دوران جنگ‌های صلیبی - توانستند بر واتیکان تسلط یابند. این جنگ‌ها در ظاهر کاملاً مسیحی بودند و هدف اعلام شده‌شان، تصرف بیت المقدس به عنوان زادگاه مسیح بود؛ اما برخی پژوهشگران بر این باورند که یهودیان خود محرک اصلی این جنگ‌ها بودند.

بسیاری از خاندان‌های مروونژی با ریشه‌های یهودی در اروپای غربی توانستند در طبقه حاکم نفوذ کنند و بر آن چیره شوند. این دودمان، پادشاهی‌ای از صومعه‌ها و راهبان پدید آورد که واتیکان بر آن سلطه‌ای نداشت، بلکه در خفا زمام امور واتیکان را در دست داشت. آنان توانستند شرایط را برای آغاز جنگ‌های صلیبی و رسیدن به سرزمین مقدس فراهم

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

کنند، زیرا توده‌های مسیحی آماده پذیرش تفسیر لفظی از پیش‌گویی‌های متون مقدس بودند.

اینجا نقش فرقه شوالیه‌های معبد در حمایت از جنگ و ارائه کمک‌های مالی و نظامی به شاهزادگان صلیبی برجسته می‌شود. آنان اعضای یک گروه نظامی-دینی بودند که خود و تاریخشان را درهاله‌ای از ابهام فرو برده‌اند. این فرقه در سال ۱۱۱۹ میلادی در بیت‌المقدس بنیان نهاده شد که در آغاز خود را «سربازان مسکین مسیح و معبد سلیمان» می‌نامیدند؛ نامی که به ریشه‌های یهودی آنان که در بافت فکری مسیحیت نفوذ کرده بود، اشاره دارد. بر پایه روایت‌های تاریخی، آنان پس از اشغال بیت‌المقدس، مقر خود را در نزدیکی مکانی قرار دادند که گمان می‌رود معبد سلیمان در آنجا قرار داشته است. معبد جایگاهی محوری در اندیشه یهودی دارد و بازسازی آن، عالی‌ترین آرمان آنان به‌شمار می‌رود. در مقابل، مسیحیت تنها به قبر مسیح و کلیسای قیامت در سرزمین مقدس توجه دارد، و بلکه ویرانی معبد و باقی‌ماندن آن در

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

حال خرابی، دلیلی بر درستی پیش‌گویی مسیح به‌شمار می‌رود؛ چنان‌که در انجیل متی آمده است.

می‌توان جنگ‌های صلیبی را جلوه‌ای آغازین از نشانه‌های نخستین صهیونیسم با رنگ و بوی مسیحی دانست؛ این جنگ‌ها نقشی ژرف در شکل‌گیری درک غرب از فلسطین و مسلمانان ایفا کردند.

در ادامه، تلاش‌های گسترده‌ای برای واداشتن یهودیان اروپا به پذیرش مسیحیت صورت گرفت، به‌ویژه پس از سقوط اندلس در اسپانیا و پرتغال. بسیاری از یهودیان به‌ظاهر مسیحی شدند، در حالی که برخی دیگر کوشیدند میان مسیحیت و باورهای یهودی خود نوعی سازگاری برقرار کنند. این گروه نقش مؤثری در شکل‌گیری جریان «یهودیت مسیحی» یا «مسیحیت یهودی» در فاصله سال‌های ۱۴۹۱ تا ۱۴۹۷ میلادی در اسپانیا و پرتغال ایفا کردند. شمار این افراد به هزاران نفر می‌رسید و آنان را «مسیحیان جدید» می‌نامیدند.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

مسیحیان جدید نقش تاریخی مهمی در ترویج این باور داشتند که مشیت الهی در حضور خداوند در تاریخ انسانی تجلی می‌یابد. آنان بر این باور بودند که تاریخ الهی با آمدن مسیح و آغاز «هزار سال خوشبختی» (عصر هزارساله) آغاز خواهد شد. در نتیجه، در میان الهی‌دانان و اندیشمندان دینی، تفسیرهای نوینی از کتاب مقدس پدید آمد که در آن، گرویدن یهودیان به مسیحیت و بازگشت قبایل گمشدهٔ اسرائیل به عنوان گام‌های پایانی پیش از پایان جهان تلقی می‌شد. از این رو، رویدادهای بزرگ مورد انتظار عبارت شدند از: بازگشت یهودیان به سرزمین صهیون، بازسازی معبد سلیمان، و برپایی دوبارهٔ حکومت الهی بر زمین از اورشلیم (بیت المقدس).

بدین‌سان مسیحیان، یهودیان را - پس از آنکه دشمنانی شایستهٔ نفرین شمرده می‌شدند - اکنون شریکانی ضروری در رویدادهای بزرگ پیش از بازگشت مسیح می‌دانستند.

اکتشاف آمریکا

از کریستف کلمب معمولاً به عنوان ماجراجویی جویای شهرت، ثروت و قدرت یاد می‌شود؛ انگیزه‌ای که او را به کشف قاره جدیدی که بعدها «آمریکا» نام گرفت، سوق داد. اما کلمب در نگاه خود، هدفی والاتر را دنبال می‌کرد و تمام زندگی‌اش را وقف آن ساخت: کشف سرزمین‌هایی تازه برای هدایت مردمانشان به دین مسیحیت، و سپس بسیج آنان برای آنچه خود «جنگ مرگ و زندگی با امپراتوری محمد» می‌نامید.

هدف نهایی کلمب، بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس بود؛ گامی برای فرود آمدن پادشاهی خداوند بر کوه صهیون، در محل معبد سلیمان.

او بر این باور بود که مشیت الهی او را برای تحقق پیش‌گویی‌های کتاب مقدس برگزیده است. در ذهن او، بنیان‌های ایمان بنابر طرحی جهانی با آغاز و پایانی مشخص شکل گرفته بود، و کتاب مقدس - با متونی که به صورت لفظی به آن‌ها ایمان داشت - راهنمای این طرح به شمار می‌رفت. کلمب خود

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

را پیام‌آور وحی آینده کتابی می‌دانست که نوید بازپس‌گیری بیت المقدس و هدایت یهودیان را می‌داد. از همین رو، نام خود را به‌گونه‌ای خاص امضا می‌کرد: «کریستوفرنس» که در زبان لاتین به معنای «حامل مسیح» است.

بدین‌سان، هدف او از سفرهایش به شرق، «هدایت» ملت‌های دیگر و گردآوری ثروت برای تأمین مالی آخرین جنگ صلیبی بود؛ جنگی که قرار بود به رهبری تاج‌وتخت اسپانیا برای بازپس‌گیری سرزمین مقدس از مسلمانان انجام گیرد.

کشف آمریکا هم‌زمان با سقوط اندلس و اخراج مسلمانان از آن بود؛ رویدادی که با اجبار بازماندگان مسلمان به پذیرش مسیحیت همراه شد و انگیزه‌ای تازه برای شور تبشیری پدید آورد. کلمب این هم‌زمانی‌های تاریخی را به پادشاهان اروپا یادآور می‌شد و آن را نشانه‌ای از دخالت مشیت الهی در طرح خداوند برای جهان می‌دانست. از این راه، توانست پادشاه و ملکه اسپانیا را به حمایت از طرح خود متقاعد کند.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

شایان توجه است که همهٔ این فعالیت‌های تبشیری پیش از جنبش اصلاح دینی و پیدایش پروتستانتیسم رخ داد؛ جنبشی که تحولی کیفی در مسیر صهیونیسم مسیحی به‌شمار می‌رود و به‌ویژه با فعالیت‌های تبشیری‌اش شناخته می‌شود؛ فعالیت‌هایی که تأثیر ژرفی در نفوذ اندیشهٔ دینی یهودی در مسیحیت بر جای گذاشت.

پژوهشگران متخصص در جنبش اکتشافات جغرافیایی که در قرن پانزدهم میلادی فعال بود، تأکید دارند که فرقهٔ شوالیه‌های معبد از پیشگامان این جنبش بودند؛ جنبشی که در آن زمان خود را «شوالیه‌های مسیح» می‌نامید. کشتی‌های آنان با صلیب سرخ مشهور شوالیه‌های معبد بر دکل‌ها به حرکت درمی‌آمدند. همچنین «مسیحیان جدید» از طرح کریستف کلمب حمایت کردند، نقشه‌ها و منابع مالی در اختیارش گذاشتند و از نخستین مهاجران به قارهٔ آمریکا بودند.

جنبش اصلاح دینی (پروتستانتیسم)

آغاز بزرگ «مسیحیت صهیونیست» به جنبش اصلاح مذهبی بازمی‌گردد که کشیش آلمانی، مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶)، آن را پایه‌گذاری کرد. یکی از محورهای اعتراض او به کلیسای پاپ، انحصار کلیسا در خواندن کتاب مقدس به زبان‌هایی بود که مردم عادی آن‌ها را نمی‌فهمیدند.

او همچنین به انحصاری بودن تفسیر متون دینی و ایفای نقش واسطه میان مردم و خداوند، و فروش «آمرزش‌نامه» که کلیسا مدعی بود دارندگان آن‌ها از عذاب دنیوی رهایی یافته و جایگاهی در بهشت می‌یابند، اعتراض داشت.

در نتیجه، کتاب مقدس به زبان‌های رایج ترجمه شد و در دسترس عموم قرار گرفت. پس از نفوذ تدریجی یهودیت در ذهنیت مسیحی - که پیش‌تر به آن اشاره شد - جنبش اصلاح دینی نوعی رستاخیز عبری پدید آورد که دیدگاهی نو دربارهٔ گذشته، حال و آیندهٔ یهودیان شکل داد.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

پیش از این جنبش، یهودیان در اندیشه مسیحی جایگاه ویژه‌ای نداشتند. کشیشان تفسیر لفظی تورات را نمی‌پذیرفتند و داستان‌ها و رویدادهای آن را به صورت نمادین و اخلاقی تفسیر می‌کردند. آنان یهودیان را ملعون می‌دانستند که خداوند آنان را به سبب انکار مسیح به تبعید فرستاده و ملت یهود برای همیشه از میان رفته است، مگر آنکه به مسیحیت بازگردند.

پیش‌گویی‌های مربوط به بازگشت یهودیان، به بازگشت از تبعید بابل در قرن ششم پیش از میلاد تفسیر می‌شد، و وعده‌های آینده درخشان برای اسرائیل، به کلیسای مسیحی اطلاق می‌گردید؛ چراکه کلیسا پادشاهی مسیح و تجسم کامل عصر هزارساله تلقی می‌شد.

اما دگرگونی فکری پروتستانیسم، یهودیان را «قوم برگزیده خدا» و ملتی برتر از دیگر ملت‌ها معرفی کرد. این باور شکل گرفت که پیمانی الهی میان یهود و سرزمین فلسطین وجود دارد، و بازگشت دوم مسیح با تأسیس دولت صهیونیستی اسرائیل در فلسطین پیوند خورده است؛ پیش از آنکه مسیح بازگردد و هزارسال سلطنت کند، و سپس قیامت فرا رسد.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

در سال ۱۵۲۳ میلادی، لوثر کتابی با عنوان «مسیح، یهودی زاده شد» نوشت و در آن از یهودیان حمایت کرد و آزار کلیسا نسبت به آنان را محکوم نمود، با این استدلال که مسیحیان و یهودیان از ریشه‌ای مشترک برخاسته‌اند.

او نوشت: «روح القدس خواست که همه کتاب‌های مقدس تنها از طریق یهودیان نازل شود. یهودیان فرزندان خداوندند و ما مهمانان بیگانه‌ایم، و باید بپذیریم که همچون سگانی باشیم که از خرده‌نان اربابانشان بهره‌مند می‌شوند».

اما در سال ۱۵۴۴، کتاب دیگری با عنوان «درباره یهودیان و دروغ‌هایشان» نوشت و خواستار اخراج یهودیان از آلمان شد. او نوشت: «چه کسی مانع بازگشت یهودیان به سرزمینشان در فلسطین است؟ هیچ‌کس. ما همه نیازهای سفرشان را تأمین خواهیم کرد، فقط برای آنکه از شرشان خلاص شویم».

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

برخی پژوهشگران بر این باورند که لوتر در کتاب دوم از مواضع پیشین خود عقب‌نشینی کرده؛ اما بررسی زندگی و اندیشه‌های او نشان می‌دهد که خواست او برای رهایی از یهودیان نه از سر نفرت، بلکه برخاسته از باور دینی‌اش به ضرورت بازگشت آنان به فلسطین بود. او همچنین نوعی تقیه به کار می‌برد تا خشم برخی مسیحیان را که از اندیشه‌های صهیونیستی‌اش برآشفته بودند، فرو بنشانند. گواه این مدعا، دگرگونی‌ای است که جنبش او در نگاه مسیحیان به یهودیان پدید آورد؛ از دشمنانی ملعون به شریکانی ضروری، و شاید حتی برتر.

جنبش اصلاح دینی، عهد عتیق (تورات) را به عنوان مرجع عالی باور پروتستانی و سرچشمه مسیحیت ناب معرفی کرد، آن را بخشی از عبادات کلیساها ساخت، و به عنوان منبع تاریخ سرزمین مقدس، پیامبران، و پیش‌گویی‌های آخرالزمانی به رسمیت شناخت. شعار «بازگشت به کتاب مقدس» شکل گرفت و این باور رواج یافت که حقیقت دینی باید بر پایه فهم شخصی استوار

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

باشد، بی‌آنکه محدودیتی بر تفسیرهای توراتی تحمیل شود؛ امری که راه را برای نفوذ بیشتر اندیشه‌های یهودی در مسیحیت گشود.

افزون بر این، اصلاح دینی به زبان عبری - به‌عنوان زبان کتاب مقدس - جایگاهی ویژه بخشید، تا آنجا که بخشی از فرهنگ عمومی و برنامه‌داری الهیاتی شد و ابزاری برای درک درست «کلام خدا» به شمار آمد.

در نتیجه، پروتستان‌ها از اندیشه نفرت از یهودیان فاصله گرفتند و آنان را شریکانی محبوب دانستند؛ نه تنها به‌خاطر دینشان، بلکه به‌سبب نقشی که در نجات مسیحیان ایفا می‌کنند. پروتستان‌تیسم پس از دوره‌هایی از کشمکش با کاتولیک‌ها، از آلمان و سوئیس به بیشتر کشورهای اروپای مرکزی و غربی گسترش یافت.

جنبش پیوریتن‌ها (پاک‌دینان)

نهضت عبری با اندیشه‌های صهیونیستی خود در دوران انقلاب پیوریتانی (پاک‌دینی) در انگلستان به اوج رسید؛ جنبشی دینی و سخت‌گیرانه که در قرن

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

شانزدهم از دل پروتستانتیسم پدید آمد و از تعالیم کشیش فرانسوی، ژان کالون (۱۵۰۹-۱۵۶۴)، پیروی می‌کرد.

نام «پاک‌دین» از تلاش پیروان این جنبش برای ریشه‌کن کردن بقایای کاتولیسیسم در بریتانیا گرفته شده است. آنان در بزرگداشت کتاب مقدس افراط می‌ورزیدند و برای عهد عتیق جایگاهی برتر از عهد جدید قائل بودند، تا آنجا که زبان و نام‌های آن را مناسب‌ترین ابزار برای انتقال اندیشه‌های تند خود می‌دانستند. آنان از دولت خواستند که تورات را به‌عنوان قانون اساسی انگلستان اعلام کند و در ترویج اندیشه «قوم برگزیده» در ذهنیت انگلیسی نقش مهمی ایفا کردند؛ اندیشه‌ای که در مهاجرت به دنیای جدید (آمریکا) به‌عنوان سرزمین موعود، نقشی اساسی داشت.

تحول مهم‌تر در تاریخ مسیحیت صهیونیستی، با مهاجرت پروتستان‌ها و پاک‌دینان به آمریکا در اوایل قرن هفدهم رقم خورد؛ جایی که پیشگامان اندیشه پیوریتن از بنیان‌گذاران اصلی ملت آمریکا و پایه‌گذاران

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

جهت‌گیری‌های دینی، سیاسی و اجتماعی آن شدند؛ جهت‌گیری‌هایی که تا امروز ادامه دارد.

این اندیشه بر سه باور اصلی استوار است:

۱- وجود طرحی الهی فراگیر برای جهان، که پیوریتن‌ها با مهاجرت به آمریکا نقش مهمی در تحقق آن دارند، و باور به اینکه آمریکا از آغاز آفرینش در «ذهن خداوند» برای اهدافی خاص وجود داشته است.

۲- برگزیدگی پیوریتن‌های مهاجر به دنیای جدید از سوی مشیت الهی؛ آنان قوم خداوندند که برای گریز از فساد دنیای کهن و برپایی پادشاهی خدا بر زمین برگزیده شده‌اند، و خود را همانند قبایل اسرائیل در خروجشان از مصر به سوی سرزمین فلسطین می‌دانند.

۳- پیوریتن‌ها با خداوند پیمانی بسته‌اند و شریک اجرای مأموریتی هستند که برایشان تعیین شده است؛ مأموریتی که در روشنگری دیگر ملت‌ها و نجات آنان از جهل و تاریکی خلاصه می‌شود.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

بازتاب این باورها را می‌توان در رفتار عملی آمریکاییان - چه افراد عادی و چه رهبران سیاسی - مشاهده کرد. مهاجران نخستین، سنت‌های یهودی را با خود آوردند و داستان‌های تورات را بر زندگی روزمره خود تطبیق می‌دادند. آنان آمریکا را «سرزمین موعود»، «اسرائیل خدا» و «صهیون» می‌نامیدند و برای شهرهای خود نام‌هایی توراتی چون کنعان، سینا، اورشلیم و ناصره برگزیدند. در آمریکا دست‌کم ۱۲ شهر و روستا به نام «الخلیل» و ۶ شهر به نام «بیت لحم» وجود دارد.

تعقیب و آزار سرخ‌پوستان (ساکنان بومی) نیز برگرفته از تعقیب کنعانیان به‌دست عبریان باستان در فلسطین بود. آنان چون خود را قوم برگزیده می‌دانستند، کشتار دیگران را برای خود مجاز می‌شمردند و از خشن‌ترین شیوه‌های قتل برای نابودی میلیون‌ها بومی استفاده کردند؛ تا آنجا که شکار سرخ‌پوستان در برخی ایالت‌ها به تفریحی عمومی بدل شد، به‌گونه‌ای که پیکر قربانیان تکه‌تکه می‌شد یا به‌عنوان خوراک سگ‌ها به کار می‌رفت.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

از دل این جریان، فرقه‌ها و جنبش‌های دینی‌ای پدید آمدند که از شور دینی فراوانی برخوردار بودند؛ شور و باوری که در نهایت به انتقال نگاه صهیونیستی از جایگاه نمادین «اسرائیل آمریکایی» در دنیای جدید به سرزمین مقدس (فلسطین) در دنیای کهن انجامید؛ باوری که امروزه از ارکان اندیشه‌ی راست افراطی در آمریکا به‌شمار می‌رود.

عقاید و افکار

مسیحیت صهیونیستی در باور به الوهیت مسیح و فرزند خدا بودن او، با دیگر مذاهب مسیحی اشتراک دارد؛ همچنین در اعتقاد به تثلیث. آنان درباره‌ی عقیده به مصلوب شدن مسیح و کفار به معنی باور به اینکه مرگ مسیح باعث بخشش گناهان و نجات بشر شده با دیگر مسیحیان هم باور هستند. اما آنچه این جریان را متمایز می‌سازد، باورهای صهیونیستی آن است؛ از جمله اعتقاد به وجود طرحی الهی برای تاریخ که رخدادهایی حتمی را در بر می‌گیرد. این رخدادهای همان پیش‌گویی‌های آخرالزمانی هستند که هسته‌ی اصلی

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

اندیشه مسیحیت صهیونیستی را شکل می‌دهند. مهم‌ترین این باورها عبارت‌اند از:

۱- بازگشت مسیح نجات‌بخش: مسیحیت به‌طور کلی بر این باور است که مسیح با تحمل صلیب، کفاره گناهان بشر را پرداخت و انسان را از گناه رها کنید. اما در مسیحیت صهیونیستی، این باور با اعتقاد به بازگشت مسیح در پایان زمان تکمیل می‌شود؛ بازگشتی که در سالی با عدد هزار رخ خواهد داد. او پس از بازگشت، پادشاهی‌ای هزار ساله در اورشلیم بنیان خواهد نهاد، دشمنان یهود را نابود خواهد کرد و ملت‌ها را زیر پای آنان خواهد نهاد تا همراه با یهودیان بر جهان فرمان براند.

این تصویر در آغاز، دیدگاه یهودیان درباره «ماشیح» یا نجات‌بخش موعود بود؛ شخصیتی که با عیسی بن مریم که یهودیان نبوت او را انکار کرده و او را دروغ‌گو می‌دانند تفاوت دارد. اما اندیشه انتظار ماشیح به سرعت به ادبیات مسیحی راه یافت و بخشی جدایی‌ناپذیر از پروتستانتیسم شد؛ به گونه‌ای که آنان نیز همچون یهودیان، در انتظار بازگشت مسیح‌اند. این باور، رستگاری را

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

در یهودی بودن یا در یاری‌رساندن به یهودیان (در مسیحیت صهیونیستی) می‌داند و اقدامات خشونت‌بار و نسل‌کشی را در راه این هدف توجیه‌پذیر می‌سازد.

۲- تحقق شرایط بازگشت مورد انتظار، از جمله:

- گرد آمدن یهودیان در کشوری به نام اسرائیل، که مستلزم یاری‌رسانی و نزدیکی به آنان است.

- اشغال بیت المقدس (اورشلیم) و بیرون راندن مسلمانان از آن، زیرا بیت المقدس شهری است که مسیح از آنجا بر جهان فرمان خواهد راند.

- «بازسازی» معبد سلیمان بر ویرانه‌های مسجدالاقصی.

- حمایت از دولت «اسرائیل»، دفاع از آن و تأیید سیاست‌هایش، و تلقی آن به عنوان نشانه‌ای الهی از رحمت خداوند و تحقق اراده او.

۳- ظهور دجال (Antichrist) - که با باور مسلمانان با «مسیح دجال» قابل

مقایسه است - و لشکرهای شر، از باورهای محوری در مسیحیت

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

صهیونیستی به شمار می‌رود. در این دیدگاه، دجال شخصیتی کافر، ستمگر و فرزند شیطان است؛ همان «وحش»ی که در عهد جدید از او یاد شده است: «و دیدم وحشی که از دریا برمی‌خاست... و اژدها قدرت و تخت و سلطنت عظیمی به او داد» (رؤیا ۱۳: ۱-۲). گفته می‌شود که او در آخرالزمان در سرزمین‌های عربی ظهور خواهد کرد، با شیطان بر زمین فرمان خواهد راند، معبد را با ساختن تندیس از خود در آن آلوده خواهد ساخت، و ظلم و فلاکت در جهان گسترش خواهد یافت. همچنین گفته می‌شود که شهر بابل بازسازی خواهد شد و این رخدادها زمینه‌ساز نزول مسیح برای نجات بازماندگان صالح خواهد بود؛ و در پی آن، نبردی سهمگین در خواهد گرفت که در آن بسیاری نابود خواهند شد و دجال کشته خواهد شد.

این نبرد، همان نبرد «هرمجدون» یا «آرماگدون» است؛ واژه‌ای عبری مرکب از دو بخش: «هَر» به معنای تپه یا کوه، و «مَجِدُو» (مَگیدو) که نام دشتی کوچک در شمال فلسطین است. گفته می‌شود که این نبرد، جنگی عظیم خواهد بود

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

که در آن ۴۰۰ میلیون سرباز از ملت‌های گوناگون گرد خواهند آمد تا با اسرائیل بجنگند.

مسیحیان صهیونیست، مسلمانان را پیروان دجال می‌دانند و معتقدند که مسیح آنان را در دریاچه‌ای از گوگرد و آتش غرق خواهد کرد. برخی از آنان این پیش‌گویی را به سلاح‌های هسته‌ای تفسیر کرده‌اند. سپس، مسیح پیروان خود را به آسمان خواهد برد و آنان را از رنج نهایی نجات خواهد داد.

شخصیت‌های نظامی، سیاسی و دانشگاهی برجسته‌ای در ایالات متحده به این پیش‌گویی‌ها باور دارند، و در رأس آنان بسیاری از رؤسای جمهور آمریکا قرار دارند.

۴- هزاره‌باوری (عصر هزارساله): منظور از «هزاره» دوره‌ای هزارساله است که مسیح پس از پیروزی در نبرد آرماگدون و نابودی لشکرهای شر، پادشاهی خود را در آن برقرار می‌سازد. در پایان این هزار سال، جهان به پایان خواهد رسید و مسیح از پایتخت خود در بیت المقدس بر سراسر زمین فرمان خواهد

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

راند. برخی از فرقه‌های افراطی مسیحی، آغاز این پادشاهی را با شروع هر هزارهٔ میلادی پیوند داده‌اند؛ امری که به شور و شوقی دینی منجر شده که از آن با عنوان «تب هزارساله» یاد می‌شود و در پایان هزارهٔ اول و دوم میلادی نمود یافته است.

۵. **برتری عهد عتیق بر عهد جدید:** با آنکه دیگر فرقه‌های مسیحی عهد عتیق را رد نمی‌کنند و آن را مکمل عهد جدید می‌دانند، اما در جنبش اصلاح دینی - به‌ویژه در انگلستان پیوریتانی و در دنیای جدید (قارهٔ آمریکا) - عهد عتیق جایگاهی محوری یافت. در این فضا، خوانش کتاب مقدس دگرگون شد و به‌سوی تفسیر لفظی و پذیرش بی‌چون و چرای محتوای آن، به‌ویژه در بخش‌های نبوئی (پیشگویی‌های آخرالزمانی)، گرایش یافت.

شخصیت‌های برجسته

در میان رهبران معاصر مسیحیت صهیونیستی، افراد بسیاری هستند که دهه‌ها از عمر خود را صرف ترویج پیش‌گویی‌های مقدس کرده‌اند. این افراد -

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

چه رهبران دینی و چه شخصیت‌های سیاسی - هدفی مشترک دارند: تضمین حمایت کامل از اسرائیل. آنان به‌طور مداوم کارزارهایی تند علیه اسلام و مسلمانان به راه می‌اندازند، در بهره‌گیری از رسانه‌ها مهارت دارند، ریاست نهادهای دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را بر عهده دارند، و منابع مالی عظیمی را در اختیار دارند. از جمله برجسته‌ترین این چهره‌ها می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد:

۱- **جری فالول:** کشیش پروتستان آمریکایی که ریاست یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های بنیادگرای فردی در جهان را بر عهده داشت و نقشی برجسته در شکل‌دهی به تصمیمات سیاسی در ایالات متحده ایفا می‌کرد. او صاحب شبکه رادیویی و تلویزیونی‌ای بود که میلیون‌ها نفر به برنامه‌هایش گوش می‌دادند. او در این برنامه‌ها، حمایت کامل خود از اسرائیل را اعلام می‌کرد و به‌طور مداوم به اسلام حمله می‌نمود. اشغال بیت المقدس در سال ۱۹۶۷ در جنگ شش روزه تأثیر عمیقی بر او گذاشت و آن را دارای معنایی توراتی می‌دانست.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

۲- **بیلی گراهام:** از تأثیرگذارترین رهبران مسیحی در جهان به شمار می‌رفت. او مشاور غیررسمی کاخ سفید بود و رابطه‌ای نزدیک با رئیس‌جمهور پیشین، جورج بوش پدر، داشت.

۳- **پت رابرتسون:** رهبر دینی سرشناس آمریکایی که در داخل و خارج ایالات متحده شهرت فراوانی داشت. او مؤسسات رسانه‌ای متعددی بنیان نهاد که مهم‌ترین آن‌ها شبکه تلویزیونی-رادیویی مسیحی (CBN) بود که در سال ۱۹۶۰ تأسیس شد. رابرتسون گفته بود که در انتظار لحظه‌ای است که شبکه‌اش وقایع فرود آمدن مسیح بر کوه زیتون در اورشلیم را پوشش دهد. او همچنین تصریح کرده بود که وفاداری‌اش به اسرائیل پیش از وفاداری‌اش به خود آمریکا شکل گرفته است.

۴. **هال لیندزی:** از مشهورترین چهره‌ها در حوزه «تجارت نبوءات» (پیش‌گویی فروشی) به شمار می‌رود. او کتاب‌های متعددی تألیف کرده و چنان تأثیرگذار بوده که برای سخنرانی در برابر استراتژیست‌های نظامی آمریکا در کالج جنگ

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

هوایی و وزارت دفاع (پنتاگون) دعوت می‌شده است. لیزدزی همچنین روابط نزدیکی با اسرائیل دارد.

از دیگر چهره‌های برجسته صهیونیسم مسیحی می‌توان به شماری از رؤسای جمهور ایالات متحده اشاره کرد:

- **هری ترومن** (۱۹۴۵-۱۹۵۲): به اتفاق منابع تاریخی صهیونیستی، تجسم سیاسی مسیحیت صهیونیستی آمریکایی دانسته می‌شود. او نخستین رئیس جمهور جهان بود که در سال ۱۹۴۸ تشکیل دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت.

- **لیندون جانسون** (۱۹۶۳-۱۹۶۹) و **جیمی کارتر** (۱۹۷۷-۱۹۸۱): کارتر اذعان کرده بود که احساسات صهیونیستی‌اش محرک اصلی سیاست‌هایش در خاورمیانه بوده است.

- **رونالد ریگان** (۱۹۸۱-۱۹۸۹): او گامی فراتر نهاد و آشکارا به باور خود به پیش‌گویی «آرماگدون» اشاره می‌کرد و آرزو داشت که این نبرد در دوران

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

ریاست جمهوری اش رخ دهد. دوران او به عنوان عصر طلایی این جنبش در آمریکا شناخته می شود. او کشیشان این جریان را به کاخ سفید و شورای امنیت ملی دعوت می کرد تا دیدگاه هایشان را درباره مسائل راهبردی برپایه پیش گویی های توراتی ارائه دهند.

- جورج بوش پسر: از جمله «مسیحیان تولد یافته دوباره در مسیح» به شمار می رود؛ اصطلاحی که به دگرگونی بنیادین در باور دینی فرد اشاره دارد. او تا سن چهل سالگی پایبندی دینی نداشت، اما پس از دیدار با کشیش بیلی گراهام، کتاب مقدس را با دقت مطالعه کرد و به این باور رسید که مسیحیت در سرزمین اسرائیل آغاز شده و تحقق پیش گویی های مقدس در آن نهفته است، و یهودیان قوم برگزیده خداوندند. سپس به این باور رسید که خود فردی برگزیده از سوی خداست تا زمین را به سلطه الهی بازگرداند. از همین رو، در سال ۲۰۰۱، جنگ های خود در افغانستان و عراق را «جنگ صلیبی» نامید.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

مهم‌ترین سازمان‌ها و گروه‌ها

مسیحیت صهیونیستی حضوری نیرومند در محافل پروتستانی دارد و ایالات متحده آمریکا قانون اصلی فعالیت و گسترش آن به‌شمار می‌رود. در این کشور، حدود ۸۰ هزار کشیش در عرصه تبلیغ دینی فعالیت می‌کنند، و تنها در دهه ۱۹۸۰ میلادی، ۲۵۰ مؤسسه و انجمن دینی آمریکایی حامی اسرائیل تأسیس شد.

این جریان، صدها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی در اختیار دارد و رهبران آن ادعا می‌کنند که شمار پیروانشان از ۱۰۰ میلیون نفر فراتر رفته است.

از برجسته‌ترین و فعال‌ترین نهادهای وابسته به این جریان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- بانک مسیحی آمریکایی برای اسرائیل: مأموریت اصلی آن تأمین مالی برای خرید زمین‌های عرب‌ها و مسلمانان، ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین و مهاجرت یهودیان است.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

۲- سازمان کوه معبد: هدف آن بازسازی معبد سلیمان در بیت المقدس است. مرکز این سازمان در خود شهر اورشلیم قرار دارد و عملیات حفاری در زیر مسجدالاقصی را برای یافتن بقایای معبد تأمین مالی می‌کند. همچنین برای خرید املاک اطراف مسجد، کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌نماید.

۳- سفارت بین‌المللی مسیحی در اورشلیم: از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین سازمان‌های این جریان است که در سال ۱۹۸۰ میلادی، در واکنش به تصمیم ۱۳ کشور برای انتقال سفارت‌هایشان از بیت المقدس به تل‌آویو، تأسیس شد.

شایان ذکر است که از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین فرقه‌های مسیحیت صهیونیستی، جماعت «شاهدان یهوه» است؛ فرقه‌ای که در سال ۱۸۷۲ میلادی در ایالات متحده به دست چارلز راسل (۱۸۵۲-۱۹۱۶) بنیان نهاده شد. اندیشه‌های این گروه بر محور بازگشت مسیح، ضرورت رستگاری و پایان جهان می‌چرخد. آنان سال ۱۹۱۴ را زمان بازگشت یهودیان اعلام کردند، اما

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

بعدها تصریح کردند که مقصودشان سال ۱۹۱۷ بوده است، که اشاره‌ای است به صدور وعده بالفور.

پیروان این فرقه بر این باورند که یهودیان نقشی تعیین‌کننده در نبرد نهایی میان «خداوند» و شیطان ایفا می‌کنند. این گروه با رهبران صهیونیستی ارتباط دارد و در دعوت به مهاجرت به فلسطین نقش آفرین است. فعالیت‌های آن در حدود ۲۰۰ کشور گسترش یافته و شمار پیروانش از دو میلیون نفر فراتر می‌رود.

صهیونیسم یهودی، میان دین و سیاست

این عقیده با سیاست درآمیخته است، بلکه می‌توان گفت که بستر بسیاری از تصمیمات سیاسی در ایالات متحده و بخش‌های گسترده‌ای از اروپا را فراهم می‌سازد. فلسطین از زمان جنگ‌های صلیبی تاکنون در ذهن مسیحیان به عنوان سرزمین مقدس آنان نقش بسته است، و اندیشه «بازگرداندن» آن

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

به عبریان، به عنوان مقدمه‌ای ضروری برای بازگشت مسیح، همواره در تاریخ مسیحیت حضوری پررنگ داشته است.

در مدت کوتاهی، اروپا شاهد جنبشی سازمان‌یافته برای بازگشت یهودیان به فلسطین شد؛ به‌ویژه در انگلستان پیوریتانی، جایی که در سال ۱۶۴۹ میلادی چنین استدعایی به دولت ارائه شد:

«باشد که ملت انگلستان نخستین قومی باشد که پسران و دختران اسرائیل را بر کشتی‌های خود به سرزمینی که به پدران‌شان، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، وعده داده شده بود، بازگرداند؛ تا آن سرزمین میراث جاودانه آنان گردد».

ناپلئون بناپارت نخستین دولتمردی بود که پیشنهاد تأسیس دولت یهودی در فلسطین را مطرح کرد؛ پیشنهادی که حدود ۱۱۸ سال پیش از وعده بالفور ارائه شد. او در جریان لشکرکشی‌اش به مشرق، بیانیه‌ای صادر کرد و از یهودیان خواست تا زیر پرچم او برای بازسازی پادشاهی کهن اورشلیم بجنگند.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

هنگامی که ناپلئون تپه مگیدو را دید، گفت: «این مکان، صحنه بزرگترین نبرد جهان خواهد بود».

در آن دوره ادبیات نیز در خدمت این هدف قرار گرفت؛ ادبیاتی که الهام بخش آن، اندیشه‌های عهد عتیق بود. از جمله، منظومه «بهشت بازیافته» که به بازگشت اسرائیل می‌پردازد، و رمان «ناتان خردمند» که در آن، صلاح‌الدین به عنوان یک فرمانروای مسلمان «سنگدل و بی‌ارزش» به تصویر کشیده می‌شود که اورشلیم را اشغال کرده و هم‌زمان، تجسم دجال نیز هست.

در بریتانیا، لرد آیرل شافتسبری (۱۸۰۱-۱۸۸۵) مطرح شد؛ کسی که فلسطین را «سرزمینی بی‌ملت برای ملتی بی‌سرزمین» توصیف کرد؛ شعاری که بعدها جنبش صهیونیستی آن را به «سرزمینی بدون مردم برای مردمی بدون سرزمین» تبدیل کرد. از سال ۱۸۶۵، زمینه‌سازی برای اسکان یهودیان از طریق اعزام هیئت‌های اکتشافی به فلسطین آغاز شد.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

در دنیای جدید (آمریکا)، اوضاع به مراتب جدی‌تر و تأثیرگذارتر شد؛ به گونه‌ای که نگاه مهاجران به جای آمریکا به عنوان سرزمین موعود نمادین، به سرزمین مقدس واقعی (فلسطین) معطوف شد. در قرن نوزدهم، گروه‌هایی از آمریکاییان به فلسطین مهاجرت کردند تا در انتظار «رویداد بزرگ» در آنجا مستقر شوند.

بسیاری از زائران آمریکایی در سرزمین‌های عربی به دعوتی دینی پاسخ دادند که در برابر آن تاب مقاومت نداشتند: پی‌گیری مسیر عبور بنی‌اسرائیل به سوی سرزمین موعود. از نظر آنان، مهم‌ترین سفر زیارتی، سفری بود که از قاهره آغاز می‌شد، از صحرای سینا با چهارپایان و شترها عبور می‌کرد و با وجود خطرات بسیار، به فلسطین می‌رسید؛ درست در مسیر بنی‌اسرائیل.

در خاطرات خود، از اندوهی که هنگام دیدن مسجدالاقصی احساس می‌کردند سخن گفته‌اند؛ زیرا مسلمانان جایگاه معبد سلیمان را اشغال کرده بودند. آنان خواستار نابودی خلافت عثمانی و بازگرداندن یهودیان به «کشورشان» شدند.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

برنامه‌ریزی برای تحقق این بازگشت از مراحل گوناگونی گذشت؛ از جمله تلاش سفیر بریتانیا در استانبول، «بونسو بنی»، در سال ۱۸۴۰ برای متقاعد کردن سلطان عثمانی به پذیرش مهاجرت یهودیان به فلسطین. همچنین، ویلیام یانگ، مسیحی صهیونیست، به‌عنوان نخستین نایب کنسولگری بریتانیا در بیت المقدس منصوب شد تا زمینه را برای مهاجرت یهودیان فراهم سازد.

با فروپاشی دولت عثمانی و سقوط خلافت، مسیحیت صهیونیستی وعده مشهور خود را از زبان یکی از برجسته‌ترین چهره‌هایش، نخست‌وزیر بریتانیا، آرتور جیمز بالفور، در سال ۱۹۱۷ اعلام کرد. پس از اشغال فلسطین، بریتانیا یک یهودی به نام هربرت صموئل را به‌عنوان کمیسر عالی منصوب کرد.

افکار عمومی آمریکا نیز به شدت از وعده بالفور حمایت می‌کرد. سنای آمریکا در سال ۱۹۱۸ این وعده را تأیید کرد و اعلام داشت: «چنان‌که موسی بنی‌اسرائیل را از بندگی رهانید، اکنون متفقین یهودا را از دست ترکان زشت‌خو نجات می‌دهند. یهودا باید برخیزد و ملتی مستقل تشکیل دهد، و

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

دولت ایالات متحده باید از همهٔ اختیارات خود برای تحقق این دولت یهودی بهره گیرد؛ دولتی که تعالیم و اصول کهن یهودا از آن برخیزد».

رؤیای تأسیس «اسرائیل» در سال ۱۹۴۸ با اعلام رسمی تشکیل این دولت تحقق یافت و کشورهای اروپایی و ایالات متحده به سرعت آن را به رسمیت شناختند. اما مرحلهٔ مهم‌تر در سال ۱۹۶۷ آغاز شد، زمانی که بیت المقدس اشغال شد؛ رخدادی که امیدهای آنان را برای تحقق «طرح الهی» و بازپس‌گیری کامل اورشلیم از «غاصبان» آن زنده کرد.

آتش‌سوزی مسجدالاقصی در ۱۱ اوت ۱۹۶۹، که به دست یک استرالیایی تندرو به نام مایکل روهان از اعضای یکی از کلیساهای مسیحیت صهیونیستی صورت گرفت، از جمله رخدادهای مهم این دوره بود. او با عنوان گردشگر وارد سرزمین‌های اشغالی شد، سپس به گروهی از هم‌کیشان‌ش در یکی از شهرک‌های کرانهٔ باختری پیوست و با حمایت نیروهای اشغالگر، این جنایت را به منظور آماده‌سازی برای ساخت معبد بر ویرانه‌های مسجدالاقصی مرتکب شد.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

از آن زمان تاکنون، دولت‌های غربی - به‌ویژه ایالات متحده - در حمایت همه‌جانبه از اسرائیل و توجیه اقدامات جنایت‌بار آن با یکدیگر رقابت می‌کنند.

در مورد عراق، تحلیل‌های سیاسی دربارهٔ دلایل اشغال آمریکا، بیشتر بر ابعاد سیاسی، اقتصادی و استعماری تمرکز داشتند؛ اما بسیاری از آن‌ها از مهم‌ترین بُعد ماجرا غافل ماندند: بُعد دینی و توراتی که ریشه در کینه‌ای دیرینه از زمان تبعید بابلی در سال ۵۸۶ پیش از میلاد به‌دست بخت النصر دارد. شکوه عهد عتیق و ماجرای اسارت یهودیان، برای یهودیان و مسیحیان صهیونیست، تاریخی زنده و جاری است، و درک تحولات منطقه بدون توجه به این پیشینهٔ تاریخی ممکن نیست.

نگاه آنان به عراق با نگاهشان به فلسطین متفاوت است: فلسطین سرزمینی مقدس است که باید بر آن چیره شوند تا مسیح از آنجا پادشاهی هزارساله‌اش را آغاز کند؛ اما عراق نماد ظلم و سرچشمهٔ شر است که باید نابود شود.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

در عهد عتیق، بابل به عنوان کانون گناه و فساد تصویر شده است. از آغاز سخن‌گویی درباره اشغال عراق، هزاران مقاله در آمریکا منتشر شد که ادعا می‌کردند همه نظام‌های دروغین از سرزمین بابل آغاز شده‌اند و در پایان روزگار، با بازسازی بابل، به اوج خود خواهند رسید؛ چراکه بابل حکومتی دشمن خداوند است.

جورج بوش اعلام کرد که جنگ علیه عراق مأموریتی الهی و «جنگی صلیبی» است. کشیش دیوید بریکیز نیز نابودی بابل در کتاب اشعیا (فصل ۱۳) را به معنای نابودی عراق دانست و پیش‌گویی‌های آن فصل را به ظهور صدام حسین - که او را جانشین بخت النصر می‌دانست - تفسیر کرد.

آنان به‌ویژه بر مزمور ۱۳۷ از عهد عتیق تکیه دارند تا عقیده «بابل شرور» را تثبیت کنند؛ جایی که آمده است: «بر کرانه‌های بابل نشستیم و گریستیم، چون صهیون را به یاد آوردیم... اگر تو را فراموش کنم، ای اورشلیم، دست راستم فراموش شود... ای دختر ویران‌شده بابل، خوشا به حال کسی که تو را

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

به سزای کارت برساند... خوشا به حال کسی که کودکان را بگیرد و بر صخره بکوبد».

در عمل، غرب صهیونیست عراق را سال‌ها در محاصره دارو و غذا قرار داد که به مرگ صدها هزار کودک انجامید؛ کودکانی که به زعم آنان، «بر صخره کوبیده شدند» تا پیش‌گویی تحقق یابد.

پس از سقوط و ویرانی عراق، جنبش‌های مسیحیت صهیونیستی و سازمان‌های وابسته به آن، پیش‌گویی دیگری درباره دمشق را ترویج کردند که در اشعیا (۱۷:۱) آمده است: «وحی درباره دمشق: اینک دمشق از شمار شهرها برخواهد افتاد و به توده‌ای از ویرانه‌ها بدل خواهد شد». صدها وبسایت در اینترنت نشانه‌های این پیش‌گویی را دنبال می‌کنند. برای نمونه، در ماه مه ۲۰۰۲، وبسایت apocalypsesoon.org در صفحه اصلی خود با حروف قرمز نوشت: «دمشق دیگر شهری نخواهد بود».

مهمترین منابع این مقاله

- فؤاد شعبان، من أجل صهیون (برای صهیون)، دار الفکر، دمشق، ط ۱، ۲۰۰۳ م.
- ریجینا الشریف، الصهیونية غیر اليهودية: جذورها في التاريخ الغربي (صهیونیسم غیر یهودی: تاریخ‌های آن در تاریخ غرب)، ترجمة أحمد عبد الله عبد العزيز، المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب، الكويت، ۱۹۸۵ م.
- جون ك. کولي، تواطؤ ضد بابل (توطئه علیه بابل)، ترجمة أنطوان باسيل، شركة المطبوعات للتوزيع والنشر، بيروت، ۲۰۰۶ م.
- غريس هالسل، يد الله: لماذا تضحى الولايات المتحدة بمصالحها من أجل إسرائيل (دست خداوند: چرا ایالات متحده منافع خود را فدای اسرائیل می‌کند؟)، ترجمة محمد السماك، دار الشروق، القاهرة، ۲۰۰۰ م.
- منير العكش، أمريكا والإبادة الجماعية: حق التضحية بالآخر (آمریکا و کشتار جمعی: حق قربانی کردن دیگری)، بيروت، دار رياض الرئيس.

صهیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |

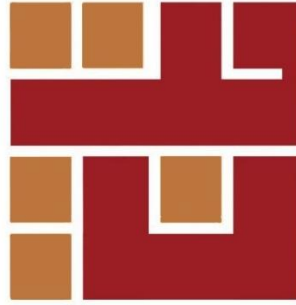
- محمد السماک، الدين في القرار الأمريكي (نقش دین در تصمیم‌گیری‌ها در آمریکا)، دار النفائس، بیروت، ۲۰۰۳م.

- محمد السماک، الصهيونية المسيحية والموقف الأمريكي (صهیونیسم مسیحی و موضع آمریکا)، مرکز دراسات العالم الإسلامي، مالطة، ۱۹۹۱م.

- بهاء الأمير، اليهود والحركات السرية في الحروب الصليبية (يهود و جنبش‌های مخفی در جنگ‌های صلیبی)، مكتبة مدبولي، القاهرة، ۲۰۱۳.

- رضا هلال، المسيح اليهودي ونهاية العالم (مسیح و پایان جهان)، مكتبة الشروق، القاهرة، ۲۰۰۱م.

صہیونیسم مسیحی؛ از باور دینی تا نفوذ سیاسی |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies